

راز ناشناخته گي امام جواد عليه السلام

<?xml encoding="UTF-8">

شهادت پيشواي نهم حضرت جوادالائمه(ع) در روز آخر ماه ذي قعدة در شهر بغداد، سال يبي اتفاق افتاد. آن بزرگوار در سن يبي سالگي توسط طاغوت زمان خویش مسموم گرديد

گوهر وجودي امام جواد(ع) و عسکريين(عليهماالسلام)، در بين مردم کمتر شناخته شده و آن گونه که از ساير ائمه(ع) و پيامبر اکرم(ص) و فاطمه زهرا(س) و حتي بعضي از اولاد ائمه شناخت دارند، نسبت به اين سه بزرگوار معرفت ندارند، به اين خاطر تمسک و توسل کم تري به آنان دارند. با اينکه ما شيعیان معتقدیم ائمه(عليهم السلام)، نور واحدند، کلامشان نور است و همه از چشمه فياض حق استفاده می کنند به نظر می رسد نمایاندن چهره واقعي اين سه امام بزرگوار می تواند خدمتي شايان به شمار آيد. علت مطرح نبودن اين سه امام(ع)، وجود شرايط سخت اجتماعي و خفقان موجود در آن عصر بود. خفقان حاکم تا حدي بود که ابن اثير در تاريخ خود، جزئيات در دورترين بلاد اسلامي و حتي فلسفه اجتماعي زيادي از حوادث را بيان می کند، تنها در سه مورد از اين امام بزرگوار اسم برده و مجموع کلماتش از پنج الي شش خط فراتر نمی رود. اين فرازها عبارتند از:

ي جلد يبي؛ آنجا که زندگي همسر امام رضا(ع) را توضيح می دهد و می گويد: همسر حضرت رضا(ع) ام حبيبه نام داشت و دختر مامون بود.

دختر ديگر مامون را محمد بن علي بن موسي گرفته بود. پس پدر و پسر هر دو با دختران مامون ازدواج کردند. ي در ضمن حوادث سال يبي می نويسد: مامون در، تکريت، با محمد بن علي بن موسي برخورد و دختر خود را به او تزويج کرد.

ي در حوادث سال يبي؛ وفات آن حضرت را می نويسد.

ابن جرير طبري نيز در "تاريخ طبري" تنها يک سطر راجع به ازدواج حضرت رضا(ع) و حضرت جواد(ع) با دختران مامون می نويسد: حتي از رحلت حضرت جواد(ع) چيزي نمی نگارد.

خفقان موجود به اندازه اي بود که حضرت هميشه خلفاي عصر را با "اميرالمؤمنين" خطاب می کرد در حالي که اين لقب مخصوص حضرت علي بود.

از طرف ديگر برخي امامان به خاطر موقعيتهاي ويژه خویش توانستند دست به اقداماتي بزنند که مورد توجه عموم واقع شود و تا اندازه اي اسمي از آنان بر لوح تاريخ بماند.

فاطمه زهرا(س) خبرهاي متواتري از پيامبر اکرم(ص) راجع به فاطمه زهرا(س) وجود داشت از جمله، او پاره تن من است، حوريه انسيه است؛ گذشته از آن شرف دختر پيامبر بودن فاطمه او را در دلها جاي داد و باعث شد تا دشمن هم نتواند ويژگيهاي درخشان زندگي او را در پرده نگه دارد.

اميرالمؤمنين به اين دليل که اولين صحابي، اولين مسلمان بود و کلمات متواتر پيامبر در غدیر خم و امثال آن درباره اش در سطح جامعه اسلامي منتشر شده بود و مهم تر از همه اين نکته که حکومت پنج ساله اش او را بر اريکه تاريخ نشاند و باعث شد فرازهاي درخشان زندگيش در تاريخ ثبت گردد.

حضرت امام حسن و امام حسين (عليهما السلام) بايد گفت آن دو، تا اندازه اي توسط پيامبر اکرم معرفي شدند و جملاتي مانند "سيد اشباب اهل الجنة" "انهما امامان قاما او قعدا"، از پيامبر در باره آنان مشهور شد. وقايع مربوط

به صلح و جنگ آنان خصوصاً واقعه کربلا، عامل دیگری شد بر اینکه آن دو امام بزرگوار یادشان در دلها جاودانه ماند.

امام سجاد (سلام الله علیه) در پرتو حوادث کربلا و صحیفه سجاده‌اش معرفی شد.

امام باقر و صادق (علیهما السلام) شرایط خاص زمان امام باقر و صادق (علیهما السلام)، از جمله حوزه فعالیت علمی آنان و شاگردان پرکارشان در رشته‌های مختلف، جمع احادیث، تدوین فقه و انتشار احادیثشان در اقصی نقاط، چهره‌ای جهانی به آنان داد. به طوری که مکتب شیعه به مکتب جعفری معروف شد. بنابر این هر چند حضور جنبش شیعی از زمان حضرت علی (ع) و حتی از زمان پیامبر اکرم (ص)، مشهود بود، اما عصر "امام باقر و صادق" (علیهما السلام)، فقه مدونی‌نداشت. زراره از بزرگترین شاگردان امام صادق و باقر (علیهما السلام)، می‌گوید:

روزی خدمت امام باقر (ع) رفتم. از مساله ارث بحث شد. حضرت امام باقر (ع) به فرزندش امام صادق (ع) فرمود: آن کتاب را بیاور و او برای من می‌خواند. در ذهن خود گفتم (لیس بشیء زخرف باطل) چیزی نیست، باطل است. وقتی حضرت امام باقر (ع) پرسید: چگونه بود؟ گفتم:

باطل، چیزی نبود. فرمود: "والله یا زراره، هو الحق، الذي رايت املاء رسول الله (ص) و خط علي" به خدا ای زراره این مطالب را پیامبر اکرم (ص) املاء فرمود و علی (ع) نوشت.

بنابر این زراره که یکی از اصحاب خاص و شیعیان مخلص بود، نیز آراء و اقوال ائمه (علیهم السلام) و پیامبر اکرم (ص) را به خوبی نمی‌دانست.

امام هفتم موسی بن جعفر (ع) آن حضرت در حالی به امامت رسید که فقه جعفری در سراسر عالم اسلام پخش شده بود. در این دوره هر چند خفقان بنی‌العباس زیاد بود و شیعیان و آن امام عظیم‌الشان گاه در زندانهای مخوف گرفتار می‌شدند، ولی کثرت شیعیان و معاصر بودنشان با عصر صادقین، (علیهما السلام)، باعث شد هر گاه امام از زندان آزاد می‌شد، یا ملاقاتی صورت می‌گرفت، مردم مسایل و نیازهای خود را بپرسند.

از این روی مساله تشکیل حکومت اسلامی نیز از اذهان مردم به صحنه سوالات مورد بحث روز آمد به همین جهت، در مرسله حماد و ... دقیقترین مسائل حکومت و مسائل اقتصادی پرسیده شده و امام نیز جواب داده است. همچنین شکنجه شدن و غل و زنجیر و زندان رفتن این امام بزرگوار خود زمینه‌ای برای مجالس عزا بود، پیوسته نام این امام (ع) بر زبانها جاری می‌شد.

امام رضا (ع) در زمان ایشان مساله امامت و ظهور امام، شکل دیگری به خود گرفت.

مامون عباسی امام را به ولیعهدی خویش منسوب کرد. امام در طول مسیر و در هر شهر و روستا که وارد می‌شد برای مردم سخن می‌گفت و به این ترتیب آنان از نزدیک با چهره پر فروغ مولای خویش آشنا می‌شوند. مامون عباسی نیز به انگیزه‌های مختلف مجالس علمی تشکیل می‌داد و از دانشمندان اسلامی و غیر اسلامی برای برگزاری مناظرات علمی با حضور امام دعوت به عمل می‌آورد. در آن محافل سخنان امام پخش می‌شد و به اقصی نقاط جهان می‌رسید. امام رضا (ع) هدایایی را که به مناسبت‌های مختلف دریافت می‌کرد، به محرومان و مستضعفان می‌بخشید و به هر حال جایگاه مردمی مناسبی یافت.

اما چهار امام دیگر چهارمین آنها که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و اخبار نقل شده از پیامبر اکرم و ائمه معصومین در باره وجود، خصوصیات و قیامش وجود شریفش را برای همه مسلم ساخته است. از این روی در طول تاریخ بارها اشخاصی از معروف بودن نام و نهضت حضرت استفاده کرده خود را امام موعود

نامیدند از جمله اسماعیلیه یا واقفیه که وجودشان بر این اساس شکل گرفت؛ چه اسماعیلیه معتقد بودند که امام موعود همان اسماعیل است و اوزنده و از انظار غایب است. واقفیه نیز همین اعتقاد را نسبت به امام موسی بن جعفر (ع) داشتند.

بعضی از افراد دیگر نیز که داعیه رهبری جامعه یا مبارزه با فساد را داشتند، ادعای مهدویت می کردند و چون اسم آن امام در روایات هم اسم پیامبر اکرم (ص) بود بعضی افراد محمد نام، مثل محمد بن عبدالله محض ادعای مهدویت می کردند. همچنین دردعاهای نقل شده از ائمه روی مساله وجود امام زمان (ع) تاکید زیاد شده است. علاوه بر آن، احتیاج فطری انسانها به نجات دهنده واقعی دست در دست عوامل فوق انتظار ظهور آن حضرت را برای غیر مسلمانان نیز امری بدیهی ساخته است.

علت اساسی دیگر بر مطرح بودن حضرت حجت (عج) در جوامع بشری نظریه هایی است که در پی غیبت طولانی حضرت به طور گسترده ای مطرح شده و اذهان را به خود مشغول کرده است، در طول تاریخ افرادی نظریه هایی ارائه کرده اند. و گروهی به نقد و بررسی پرداخته اند و دسته ای ادعای مهدویت کرده، دسته ای دیگر به ابطال آن روی آورده اند.

امام جواد و عسکریین (علیهم السلام) هیچیک از جهات یاد شده در زندگی سایر ائمه در حیات این سه امام بزرگوار، وجود نداشت به همین جهت چهره والای آنها ناشناخته ماند و بعد از هزار و دویست سال همچنان هاله ای از غربت بر چهره آنان سایه افکنده است و تنها کلیاتی که از آیات قرآن و احادیث و برخی زیارات مانند زیارت جامعه کبیر، استفاده می شود مبین گوشه ای از شرایط زندگی آنان است.

گروهی در این باره معتقدند دلیل وضعیت موجود این است که وجود آن ائمه فقط برای وجود یافتن امام موعود بوده است تا آن حضرت جهان را پر از عدل و داد کند.

از این سوی عمر امام جواد (ع) که مدت طولانی دوام نیافت.

آن حضرت در سنی سالگی بعد از شهادت پدر بزرگوارش به امامت رسید.

به نظر می رسد همین عامل سبب شد مردم آن عصر در باره امامت و خصوصیات و ویژگیهایش خیلی علاقه نشان ندهند چه همان مردم به علی (ع) که سی و سه سال داشت، گفتند جوان است و رهبری جامعه فردی مسن تر و کارآمدتر می طلبد.

زمانی که نص صریح پیامبر اکرم (ص) کنار رود و آن همه احادیث و شان نزول آیات و واقعه غدیر به فراموشی

سپرده شود کهولت جای تمام آنها را بگیرد انتظاری از مردم عصر حضرت امام جواد (ع) نمی توان داشت.

در روایت است هنگامی که حضرت امام جواد (ع) وارد مسجد شد، علی بن جعفر، عموی پدر او، به احترام حضرت از جای بلند شد و او را به جای خود نشاند. مردم اعتراض کردند که تو پیری و محاسنت سفید شده اسست، چطور به جوان کم سن و سالی این چنین احترام می کنی؟

از طرف دیگر نصوص متواتره ای نبود که مقام حضرت جواد را به مردم آن طور که بود معرفی کند. این موضوع

آنگاه واضح می شود که کلمات رسول خدا (ص) در مورد حسنین (علیهم السلام) یا فاطمه زهرا (س) و یا علی (ع) با کلمات و روایات وارده درباره امام جواد (ع) مقایسه شود.

علت عمده عدم معرفی یکسان ائمه این بود که چون حضرت علی و زهرا و حسنین (علیهم السلام)، در زمان آن حضرت بودند و مناسبت های مختلفی برای معرفی آنان بود.

این موضوع در باره امام زمان (عج) فرق می کند چون رهبر پیوسته باید در جامعه روح امید بدمد و دمیدن روح

امید با معرفی منجی عالم بشریت امکان داشت جدا از این که بیشتر معرفی‌ها توسط ائمه بعدی صورت پذیرفت و آن هم به خاطر سؤال بیش از حد مردم و اشتیاق آنان به دانستن حضرت امام زمان(ع) و خصوصیات و صفات او بود. حتی وجود احادیث فراوان در باره امام حسن و حسین(ع) وقتی شخصی در محضر ابن عباس سوالی می‌پرسد و یکی از حسنین(علیهما السلام)، جواب می‌دهند، آن شخص قبول نمی‌کند و می‌خواهد جواب را از ابن عباس بشنود، تا مطمئن شود.

مراجعه به کتب فقهی بر این حقیقت اشاره دارد که در طول تاریخ بیست سال حضور امام حسن و حسین(ع) در مدینه مسئله فقهی چندی از آنان پرسیده نشد و مردم آنان را دو فقیه اسلام شناس عالم حساب نمی‌کردند تا چه رسد به امام جوادی که سن کمتری داشتند. و از پشتیبانی عظیم و تاییدات مکرر پیامبر اکرم(ص) نیز برخوردار نبودند.

دسیسه‌های خلفای عباسی که پیوسته می‌خواستند او در بین مردم ناشناخته بماند و خفقان حاکم آن زمان تا اندازه‌ای که آن امام یا پدر بزرگوارش و فرزندانش مجبور می‌بودند خلفای ظالم عباسی را امیرالمؤمنین خطاب کنند به عمیق‌تر شدن جهل موجود دامن می‌زد.